

عنوان: بررسی نقش بالینی مدرسان پرستاری در ایران: یک مطالعه تری‌انگولاسیون چندگانه

نام دانشجو: وحید زمان زاده

رشته و مقطع تحصیلی: دکترای PhD - پرستاری

استاد راهنما: دکتر زهره پارسا یکتا

استاد مشاور: دکتر اسکندر فتحی آذر

شماره پایان‌نامه: ۱۴۸

مقدمه: به جهت اهمیت وافر آموزش بالینی در پرستاری و عدم موفقیت آن، بعد از انتقال آموزش سنتی به آموزش عالی و همین‌طور روشن نبودن ماهیت نقش بالینی پرستاری در این فرهنگ آموزشی، پژوهش حاضر با هدف درک نقش بالینی و نحوه ایفای آن توسط مدرسان پرستاری در ایران انجام گردید.

روش کار: تری‌انگولیشن اساس این مطالعه را تشکیل داده است، بدین شکل که ابتدا یک مطالعه کیفی در مورد نحوه ایفای نقش بالینی بر روی ۱۵ نفر از مدرسان پرستاری که به شکل نظری نمونه‌گیری شده بودند، صورت گرفت. در این مرحله از روش گراند‌تئوری برای تجزیه و تحلیل استفاده گردید. گردآوری داده‌ها مصاحبه نافذ و غیر رسمی بوده است، بعد از انجام مصاحبه و حصول طبقات مفهومی، مطالعه فوق بر روی ۶ تن از دانشجویان و پرسنل پرستاری تکرار شد که هیچ طبقه مفهومی اضافی حاصل نگردید. مرحله بعد یک مطالعه کمی به اجرا درآمد. در این مرحله بر اساس یافته‌های بدست آمده از مرحله کیفی و همین‌طور مروری بر متون، ابزاری تهیه شد که ۴ نقش مدرس پرستاری را بررسی می‌نمود تا بتوان با یک مطالعه کمی، ضمن تایید یافته‌های مرحله کیفی، از یافته‌های کمی سه نقش دیگر بررسی نتیجه‌گیری و پیشنهادات دقیق‌تر در مورد نقش بالینی استفاده شود.

نتایج: هویت حرفه‌ای به عنوان مفهوم مرکزی این مطالعه مربوط به درکی است که مدرسان پرستاری در رابطه با حرفه و نقش بالینی از خود ارائه داده‌اند و آنرا در قالب توصیف یا تئوری‌گرایی و عمل یا مهارت‌گرایی را گزارش داده‌اند. در مطالعه کمی نیز مشخص گردید که اکثریت آنها هویت توصیف‌گرایی را انتخاب نموده‌اند همچنین مطالعه حاضر نشان داد که درون‌مایه‌های روشنی نقش و استقلال و اختیار در کار و شایستگی بالینی در شکل‌گیری آن نقش بسزایی دارند. به نظر می‌رسد هویت حرفه‌ای برخی از مدرسان پرستاری ممکن است در تضاد با پرستاران بخش خدمتی بوده باشد، لذا آنها به جهت دوری از کشمکش‌های نقشی سعی داشته‌اند با اتخاذ برخی از راهکارها با ابهام در نقش و دیگر مشکلات نقشی خود کنار بیایند. متوسل شدن به درون‌مایه‌های هم‌رنگی از این باب بوده است که متأسفانه این مکانیسم‌ها، به نوبه خود آنها را از اهداف اصلی آموزش دور ساخته است، به طوریکه ۳۷۹ درصد آنها برآیند آموزشی را در حد ضعیف و ۵۵۲ درصد نیز آن را در حد نسبی گزارش نموده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: فقدان تسلط بر نقش بدلیل مشکلات موجود در بعد احساسی و ابزاری این نقش و به استناد مطلوب نبودن دو درون‌مایه مهم این مطالعه اختیار در کار و معنی‌دار بودن وظایف و از آنجائیکه طبق مدل انگیزش شغلی، این از ارکان اصلی انگیزشی هر شغل محسوب می‌گردند، می‌توان ادعا نمود که مدرسان پرستاری در نقش بالینی خود توان انگیزشی لازم را ندارند. از سوی دیگر مرور بر متون نشان داد که راهنماهای حرفه‌ای و سازمانی کافی در این زمینه وجود ندارد، لذا توصیه می‌شود رهبران آموزشی و خدمتی با در نظر گرفتن دیدگاه‌های حرفه‌ای و سازمانی، مدل‌های بکار گرفته شده در پرستاری و حرف دیگر، در توسعه یک مدل جامع و مانع که بتواند توان انگیزشی نقش بالینی و به تبع آن برآیند آموزش را ارتقاء دهد، به تشریک مساعی بپردازند.

کلمات کلیدی: نقش - آموزش بالینی - مدرس پرستاری - تری‌انگولاسیون